



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۶۵
ا تیر ۱۳۸۴
۲۲ ژوئن ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

در سالروز ۳۰ خرداد ۶۰ ادای احترام به جانبختگان و برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی!

۳۰ خرداد سال ۶۰ روز تولد واقعی جمهوری اسلامی است. از این مقطع به بعد نسلی از انقلابیون و کمونیستها و مخالفین سیاسی را به جرم مخالفت با رژیم و تسلیم نشدن به قوانین ارتجاعی اسلامی، به جرم اعتصاب برای بهبود شرایط زندگی، به جرم مبارزه برای رفاه و آزادی با قساوت تیرباران کردند. در ۳۰ خرداد ۶۰ یکی از خونین ترین سرکوبهای قرن بیستم توسط حکومت اسلامی براه افتاد تا مردمی را که علیه استبداد شاهی برای رسیدن به آزادی و زندگی انسانی انقلاب کرده بودند سر جای خود بنشانند.

سران جنایتکار و قاتل حکومت اسلامی از جناحهای مختلف حکومت پشت سر خمینی بنیانگذار مرتجع و جانی حکومت اسلامی بخط شدند و یکی از عظیم ترین فجایع تاریخ بشری را سازمان دادند تا مردم بحرکت درآمده برای رفاه و آزادی را به خاک و خون کشند. کمونیستها، رهبران شوراهای کارگری، فعالین سازمان های سیاسی، مردم مخالف را کرور کرور دستگیر و در محاکمات چند دقیقه ای و یا بدون محاکمه به اعدام محکوم

صفحه ۲

شکست و زبونی رژیم در "انتخابات"

عبدل گلپریان

در کشورهای سرمایه داری معاصر که حتی در ساختار آن مذهب آمیخته است، در جریان انتخابات ها و در صورت حقه و کلک و دست بردن در آرا، قاعدتا این رای دهندگان یا طرفداران یک حزب یا یک کاندید مشخص هستند که به روند برگزاری انتخابات اعتراض دارند با توجه به اینکه در این کشورها نیز آنچه که واقعیت ندارد رای و نظر مردم است اما تفاوت این با مسخره بازی که در جمهوری اسلامی بر آن نام انتخابات گذاشته اند این است که از صافی رد شده های این رژیم که به قانون اساسی و ولایت فقیه وفا دارند، در مرحله ای از این شعبده بازی دارند به افشاگری از هم دست می زنند. کرویسی دارد به رهبر شکایت می برد که

صفحه ۶

در پیچ "انتخابات" اوضاع سیاسی و موقعیت رژیم اسلامی



سیاوش دانشور
siavash_d@yahoo.com
Tel. +46 707 96 63 62

جمهوری اسلامی بدنبال این "انتخابات" در موقعیت بشدت نامساعدی قرار میگردد. تا همین امروز و قبل از

صفحه ۳

صنف کلاه مخملی و فاشیسم اسلامی در حاشیه مضحکه انتخابات دور دوم ریاست جمهوری

محمد آسنگران

asangaran@aol.com

صنف روشنفکر اسلام زده ایرانی در جلسه فرو رفته را نگاه کنید* صنفی که با اخلاص تمام همواره پشت سر جمهوری اسلامی ایستاده است* هرچقدر توسری میخورند دست به سینه ایستاد نشان در مقابل آخوند وطنی پایانی ندارد* اینها از فرط غوطه ور شدن در غرقاب فرهنگ "خودمان" به مذهب و آخوند "خودمان" رسیده اند و پشت سر آن آماده با ش ایستاده اند* قبل از انقلاب سال ۵۷ سرمشق و معلم اینها جلال آل احمد بود* امروز خمینی و خاتمی و رفسنجانی رهبر و امامشان محسوب میشوند* این را خودشان بارها تاکید کرده اند*

اینها کسانی هستند که در دوران قتل عام مخالفین در سال ۶۰ و ۶۷ بوسیله رژیم اسلامی با تمام خلوص به

صفحه ۵

بیانیه جوانان آزادیخواه سندج بعد از افتضاح مضحکه انتخابات نبردمان ادامه دارد

بیش از دو هفته در گیری و رودروئی جوانان وزنان و مردم با رژیم اسلامی در ایامی که جمهوری اسلامی با مضحکه انتخاباتش قصد خرید عمری برای خود داشت نشان داد که این سیستم و نظام اساسا مشروعیتی ندارد و در برابر اعتراضات مردمی وامانده است. اعتراض دانشجویان در دانشگاهها، اعتراض زنان به قوانین ارتجاعی و ضد زن رژیم شادی جوانان در شهرهای مختلف در شب پیروزی مسابقه فوتبال و در هم ریختن بساط ارتجاع و انتخابات و مبارزات

صفحه ۶

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E-mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر

با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر
میشود

کردند. در عرض چند روز هزاران نفر تیرباران شدند و اختناق سیاهی بر جامعه حاکم گردید. پرونده قتل عام سی خرداد شصت مانند پرونده کشتار تابستان شصت و هفت و دیگر جنایات جمهوری اسلامی، پرونده ای مفتوح است.

در سالروز ۳۰ خرداد ۶۰ یکصدا علیه رژیم جنایت و کشتار و زندان و شکنجه بپاخیزیم! همراه با خانواده جانباختگان در خاوران تجمع کنیم، نسبت به جانباختگان ادای احترام کنیم، بر مزارشان

صنف کلاه مخملی...

اند و به میل خود تعداد رایبها را بالا برده اند و ...

این رای سازبها اولین بار نیست که در جمهوری اسلامی اتفاق می افتد. اینبار تفاوت در این است که دوم خردادیها و دیگراعوان و انصار رژیم توان و قدرت مهار اعتراض مردم را ندارند و لازم نیست جناح رقیب هم به آنها امتیازی بدهد.

اینبار تفاوت این است که در دور دوم هر کدام از کاندیداها را از صندوق بیرون بیاورند، یکی از آن دیگری جنایت کار تر، قاتل تر و مرتجع تر است. این صنف روشنفکر هم آتش بیار معرکه شده اند و مردم را تا حد خود و رهبران جمهوری اسلامی عقب مانده فرض کرده اند.

هیاهوی این طیف در دفاع از هاشمی برای مقابله با فاشیسم گوشها را کر کرده است. در حالیکه دفاع از فاشیسم اسلامی داستان زندگی ۲۶ ساله این

کنیم که با سرنگونی این رژیم جنایتکار، زندانها را خواهیم بست و مقوله زندانی سیاسی به تاریخ خواهد پیوست! اعلام کنیم که سران جمهوری اسلامی را بجرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای مردمی محاکمه خواهیم کرد و حقایق این کشتارها را از زبان مجریان و شهود زنده این فجایع به اطلاع مردم دنیا خواهیم رساند!

حزب یاد بیش از صد هزار جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی میدارد و مردم آزادیخواه را به گسترش مبارزه برای آزادی کلیه

شاخه های گل بگذاریم، سرود انترناسیونال بخوانیم و خواهان محاکمه سران جنایتکار حکومت اسلامی شویم. برای خانواده های جانباختگان شاخه های گل بفرستیم و آنها را در آغوش بگیریم. متحدانه خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی شویم، تجمعات خود را در مقابل اوین و سایر زندانها، در دانشگاهها و میادین شهرها برپا کنیم و یکصدا خواهان آزاد فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی شویم و زندانیان را از چنگال رژیم رها کنیم! اعلام

جماعت است. همیشه دست در کیسه ارتجاع برده و یکی را به مردم معرفی کرده اند. تمام هم و غم اشان دفاع از معبود و محبوب خود یعنی نظام اسلامی بوده است.

اینها که عمری را زیر عبای آخوند در زمان حکومت شاه ناخن جویده بودند، از زمان روی کار آمدن حکومت مرتجع و فاشیست اسلامی، عصای دست این حکومت بوده و اکنون مردم را از فاشیسم غیر خودی می ترسانند. گویا مردم در آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی هر بار باید یکی از رهبران فاشیستها را انتخاب میکردند. از نظر این زعمای قوم به جز انتخاب از میان فاشیستها راه دیگری نیست.

آقایان "محترم"! فاشیسم از همان زمان که بازرگان و به دنبال او بنی صدر در راس این حکومت بودند، عینیت داشت و امروز هم با هاشمی یا بدون او، با احمدی نژاد یا بدون او،

زندانیان سیاسی و سرنگونی رژیم جنایت و جهل اسلامی فرامیخواند!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت
کارگری
زنده باد جمهوری
سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ خرداد ۱۳۸۴، ۱۸ ژوئن
۲۰۰۵

و قاتل حرفه ای را در مقابل مردم گذاشته و به آنها میگوید رای بدهید و تازه به همین مضحکه نیز بسنده نکرده و رای ها را دستکاری کرده و صدای خودیها را هم در آورده است.

دولت آبادی در کنفرانس برلین دید که اگر آزادی ابراز عقیده و بیان باشد، کسی به حرفهای امثال ایشان حتی گوش هم نمیدهد.

مردم ایران در دور دوم مضحکه انتخاباتی که در نهایت استیصال و در نهایت شکاف و تفرقه بالاییها اتفاق می افتد، فرصت ضربه زدن به حکومت را می بینند و باید از این فرصت استفاده کنند. راه مقابله با فاشیسم مبارزه با حکومت اسلامی و سرنگونی آن است. هر چند کلمه سرنگونی و انقلاب به مذاق اینها خوش نیاید اما راه دیگری برای تغییر اوضاع موجود نیست. این جواب مردم و جوانان به این صنف و مدافعین اسلام سیاسی است.

حکومت اسلامی يك حکومت فاشیستی است. کل این پیکره تولید فاشیسم را باید از میان برداشت.

مدافعین و فعالین جنبش ملی اسلامی در مقابل اراده و مبارزه مستقیم مردم، کمر همت به دفاع از رژیم اسلامی بسته اند. اما جمهوری اسلامی را فقط باید سرنگون کرد.

این مرتجعین باید بدانند که هیچ دیالوگ و بازی و اصلاحی در این حکومت برای مردم جایگاهی ندارد.

یک باند کار بدست رژیم نتیجه انتخابات را رقم میزنند و "روشنفکر" احمق این دیار باز هم به مردم میگوید بروید رای بدهید. تا فاشیسم نیاید. آیا واقعاً مرز حماقت برای اینها حدی ندارد.

جنابان این حساب دو دو تا چهار تا است. حکومت اسلامی حکومت ضد انسانی و مرتجعی است که همین امروز هم برای انتخابات کذایی اش، چند مزدور

از هر زمان بوی تغییر و انقلاب در فضای سیاسی ایران به مشام می رسد. برای ایفای نقش دورانساز آماده شویم.
۲۲ ژوئن ۲۰۰۵

آزادی و برابری و رهائی از فقر و فلاکت سرمایه داری، باید با قدرت تمام و با حزب سازش ناپذیر کمونیستی کارگیشان کل این نظام منحوس را درهم بکوبند و بر ویرانه های آن جامعه ای سوسیالیستی و آزاد و مرفه برای همگان برپا کنند. اینروزها بیش

بیشتری خود را نشان دهد. مردم ایران برای رهائی از وضع موجود راهی جز این ندارند. در فردای انتخابات فرمایشی جمهوری اسلامی موقعیت جمهوری اسلامی وخیم تر از هر زمانی است و مردم بیش از هر زمان متوجه میشوند که برای امر

در تند پیچ ..

نتیجه میرسد که تنها راه رهائی از وضع موجود عبور از جمهوری اسلامی است. "انحلال، انحلال، جمهوری اسلامی انحلال" رای واقعی مردم در این انتخابات بود که میتواند با قدرت بسیار

ادامه در پیچ "انتخابات"

برگزاری دور دوم نمایش انتخابات موقعت کل حکومت در مقابل مردم تضعیف شده است. عدم شرکت وسیع مردم در این نمایش و همینطور اعتراضات دوره پیشا انتخابات يك شکست سیاسی برای رژیم اسلامی و هوادارانش در اپوزیسیون و حاشیه حکومت بود. جامعه به جمهوری اسلامی و کاندیدهایش باردیگر دست زد و تبلیغات وسیع رسانه های غربی و خود حکومت تاکنون نتوانسته اهداف رژیم اسلامی را تامین کند. کل جمهوری اسلامی از خامنه ای تا معین يك هدف مشترك داشتند و امروز در به اصطلاح دور دوم نیز همان هدف را دنبال میکنند؛ کشاندن بخش قابل توجهی از مردم پای صندوقهای رای و کسب مشروعیت سیاسی برای نظام نامشروع و در بن بست جمهوری اسلامی. این هدف تاکنون تامین نشده و مستقل از اینکه در دور دوم کدام تروریست از صندوق بیرون می آید این هدف تامین نخواهد شد. موج گسترده تقلب و رای سازی و اعتراضات خود کاندیداها در دور اول سرنوشت دور دوم را نیز کمابیش ترسیم کرده است. امروز باید همگان اعلام کنند این انتخابات باطل است. مستقل از نتیجه آن و تمهیدات و سازشهای این چند روز جناحها باطل است. يك ارزیابی ابرکتیو اینست که رژیم در این ماجرا شکست خورد و مردم پیروز شدند.

"دور دوم انتخابات"

به نظر من عنوان "دور دوم" را باید با مسامحه بکار برد. ما با هیچ پروسه انتخاباتی و روند قانونی و حتی در قیاس با مینیمم استانداردهای موجود و قابل قبول انتخاباتی روبرو نبودیم و نیستیم که حالا با این فرض به دور دوم رسیده باشیم! مضحکه و

و "دوباره میسازمت وطن" کسی این بالماسکه را جدی نمیگیرد. بنظر من عاقل ترین هایشان که به این روند استراتژیک تر نگاه میکردند از همان شش ماه پیش روی رفسنجانی و حمایت از او برای ماندن در صحنه سیاسی حساب باز کردند. و امروز به همین نقطه رسیدند. نکته مهم اینجاست که دو خرداد که هشت سال برای این رژیم وقت خرید با نقد رفسنجانی و خط او به میدان آمد و امروز بعد از هشت سال در صف مدافعین رفسنجانی سردرآورده است! این پدیده جالب و در عین حال تراژیک است. "آی فاشیسم می آید" تنها پوشش رندانه و آخوندی حزب توده و دو خردادها برای توجیه دفاع از یکی منفورترین چهره های این نظام کثیف و جنایتکار اسلامی است.

جمهوری اسلامی "نه"!

جنبش انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی نباید دچار انفعال و تردید شود. "نه" محکم به این رژیم و مضحکه انتخاباتش تنها راه پیشروی ماست. باید تصریح کرد و گفت که کسانی که در دور اول، حال با هر ملاحظه و تحلیلی، رای دادند عمیقا اشتباه کردند. این اشتباه نباید در دور دوم تکرار شود. شخصیتها و سازمانهایی که مردم را فراخواندند که در انتخابات رژیم اسلامی شرکت کنند به مهره ماشین تبلیغاتی این مضحکه اسلامی تبدیل شدند و در این جدال کنار رژیم اسلامی و علیه مردم و جنبش آزادی و برابری ایستادند. حاصل تلاش جمهوری اسلامی و کل این کمپ امروز این شده که باید به رفسنجانی منفور رای بدهید؟! خط مشی و سیاست "انتخاب از میان بد و بدتر"، نه بطور کلی و مستقل از هر چهارچوب سیاسی، بلکه در مورد مشخص رژیم اسلامی و نمایش انتخاباتی آن سیاستی راست است و در بهترین

حالت اراده مردم و حرکت مستقل آنان را برسمیت نمیشناسد. عبارات دقیقتر، خط انتخاب از میان بد و بدتر، تلاش آگاهانه جنبشهای ارتجاعی و ضد مردمی برای حفظ جمهوری اسلامی و مشروط کردن حرکت مردم در چهارچوب جدال جناحها و مرزهای قانونی رژیم اسلامی است. این سیاست آگاهانه دو خرداد و اپوزیسیون طرفدار رژیم است که سیاستی رژیم و ضد انقلابی است. پاسخ مردم روشن است؛ ما رژیم تروریستها را نمیخواهیم، ما حکومت فاشیستها را نمیخواهیم، ما جمهوری اسلامی جنایت و فلاکت سرمایه داران را نمیخواهیم! و این نخواستن را باید در دور دوم این مضحکه اسلامی با قاطعیت نشان دهیم. جمهوری اسلامی شکست خورده در پیچ "انتخابات" از نظر جامعه و بطور طبیعی نامشروع تر از هر زمانی است. چنین رژیمی نمیتواند در متن تنشها و تضادهای رو به رشد درون حکومتی و خطر مردمی که برای پائین کشیدنش لحظه شماری میکنند، زیاده دوام بیاورد و تعادل خود را حفظ کند. مردم! نباید رای داد و نباید در این مضحکه شرکت کرد. هیچ کسی در مقابل هیتلر به گویز رای نمیدهد، بلکه علیه رژیم فاشیستی اعلان جنگ میکند. برای رهائی از فاشیسم باید جنبش آنتی فاشیسم پیروز شود. برای رهائی از حکومت فاشیسم اسلامی باید فقط آنرا سرنگون کرد. نه ایران فرانسه است و نه رفسنجانی شیراک و نه احمدی نژاد لوپن. این کلیشه سازیهای حزب توده و برادران اسلامی اش در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی قرار است به حمایت سیاسی شان از رفسنجانی رنگ و روی "دراست و احساس مسئولیت" بدهد. این يك عوامفریبی و دروغ کثیف برای پوشاندن سیاستی متحجر و

عقب مانده در دفاع از رژیم واپسگرا با کاندیداهائی تا مغز استخوان مرتجع و تروریست و قاتل است. اینها کسانی هستند که در نقد هاشمی خودشان را تبیین کردند و بعد از هشت سال دروغ گفتن به مردم حالا دوباره در بارگاه هاشمی دولا راست میشوند. اینها فقط مشتی اپورتونیست ضد دخالت مستقیم مردم در سیاست اند. تنها سیاست اصولی تداوم مبارزه فعال علیه این مضحکه است. تحمیل يك شکست سنگین تر در "مرحله دوم" این نمایش مضحک به جمهوری اسلامی راه پیشروی و پیروزی جنبش آزادی و برابری را هموار میکند.

بعد از "انتخابات"

جمهوری اسلامی بعد از افتضاح "انتخابات" رژیمی بشدت ضعیف تر و از نظر انسجام درونی متشتت تر است. نتیجه این نمایش هرچه باشد، جنگ جناحها برسر بقای حکومت و پاسخ به بحرانهای پیشروی داخلی و بین المللی بناگزیتر تشدید میشود. همینطور مردمی که از پس عقب نشینی جمهوری اسلامی در این نمایش قدرتمند تر بیرون آمدند ساکت نخواهند شد. مردم همه اینها را بعنوان افرادی امتحان پس داده و کارتهای سوخته میشناسند و همدشان رهائی از شر همه آنهاست. نه فقط مردم بعد از انتخابات ساکت نخواهند شد، بلکه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه برای گشایش فرهنگی و رفاه اقتصادی گسترش خواهد یافت. اینبار جدال جناحها و کانون کشمکشهای درون حکومتی در کمپ راست است و دو خرداد چه بعنوان يك فراکسیون حکومتی و چه بعنوان يك جناح سیاسی موضوعیت خود را کاملا از دست میدهد. این روند پیشتر و بعد از انتخابات شوراهای عملا شروع شده بود. دوره ای که دو خرداد تجزیه و متلاشی میشد،

رهبری و مرکز آن به طرف راست و اصولگرایان جذب میشد و پائین و بدنه آن به کمپ سرنگونی میپیوست. همینطور در همین دوره در میان راست حکومت قطب بندیهای جدیدی بوجود آمد. شکلگیری یک راست جدید که تلاش میکرد چهره جوانتری از خود نشان دهد و در عین حال با حفظ اصول نظام اصلاحات درون حکومتی را هضم کند، قابل رویت بود. این جریان با بحث "ژاپن اسلامی" جلو صحنه آمد و عملاً سیاستی را توصیه میکرد که رفسنجانی زمانی از اجرای آن ناتوان ماند. شکست دو خرداد و اصلاحات اسلامی، بناگزی تلاش برای برون رفت از بحران همه جانبه حکومت اسلامی را بلرون راست برد. امروز صفبندی درون راست بیشتر به نفع این خط است و جریان فالانژ و طرفدار سرکوب تمام عیار و یکدست کردن قدرت به نظر میرسد بیشتر منزوی است. کسی مانند هاشمی رفسنجانی که در دوره انتخابات مجلس حتی رای هم نمی آورد و امروز به امید بخش مهمی از جمهوری اسلامی تبدیل شده است، ناشی از این تحولات درون راست حکومت است. رفسنجانی امروز و از زاویه هر طرف میتواند نقشی مثبت را ایفا کند؛ رفسنجانی برای دو خردادیهها ضربه گیر است و تداوم حیات سیاسی شان را بدرجه ای باز نگه میدارد. برای بدنه اصلی راست حکومت رفسنجانی کسی است که میتواند با حفظ موقعیت جمهوری اسلامی وارد معامله و سازش برسر مسائل مهم با غرب شود. برای تکنوکراتها و سرمایه داران ایرانی او چهره قاطعتری در تبدیل ایران به اردوی کار ارزان است. برای آمریکا و دولتهای غربی او تنها کسی است که قدرت مقابله با خامنه ای را دارد و استعداد بازکردن دریچه ها را از درون رژیم دارد.

شاید اطلاق نام "اصلاح

طلب" و "اصولگرا" و "پراگماتیست" و یا "راست سنتی" و غیره مناسب صفبندیهای درون جمهوری اسلامی نباشد، چون این جناحها و گروهبندیهای مختلف از ابتدای سرکار آمدن جمهوری اسلامی وجود داشتند و جملگی در زمره نیروهای "خودی و درون حکومتی" بودند و در دوره های مختلف متحد و موئتلف هم بودند. اختلافات آنها عمدتاً برسر اینبده که کدام خط برای بقا و تداوم نظامشان هژمونیک شود و کدام سیاست میتواند آنها را از یک رژیم سرکوب انقلاب به یک رژیم متعارف بورژوازی و انتگره در جهان سرمایه داری امروز تبدیل کند. در ۲۶ سال گذشته سرکوب خونین، جنگ هشت ساله، سیاست انتظار و نوید "ایران ژاپن میشود"، و بالاخره اصلاحات دینی منشا بقای این نظام بودند و هیچ کدام نتوانستند موقعیت جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت سرمایه داری در دنیای امروز به شرایط با ثباتی برسانند و یا چشم انداز ثبات میان مدتی را فراهم کنند. امروز سوال اول این حکومت سرچایش است. رژیمی است که مشروعیت ندارد، مهرهایش امتحان پس داده اند، توان یک کودتا مانند ۳۰ خرداد ۶۰ را ندارد و یا سازماندهی کشتارهای مشابه در مقدورانش نیست، از کمترین انسجام درونی برخوردار است، بیشترین تنش و معضل را با کشورهای غربی دارد، مردم بیشتر از هر زمانی نمیخواهندش و در دوره اخیر مرتباً در مقابل تعرض رادیکال و چپ مردم در حال عقب نشینی بوده است. اهمیت این "انتخابات" خاص، نه در پلاتفرمها و یا کاندیداهای متفاوت آن، نه در آرایش جدیدی که باندهای متفرقه اسلامی یافتند، بلکه اساساً در شرایط داخلی و بین المللی ویژه ای بود و هست که جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته است. مردم بدرست نه به رفسنجانی نه به معین و نه بطریق اولی به تروریستهای دیگر

امیدی نداشتند و ندارند. هیچ طرحی از درون رژیم برای گشایش سیاسی و به طبع آن اقتصادی وجود ندارد. رژیم اسلامی فاقد چنین توان و ظرفیتی است. جامعه نیز امکان تحمل و ایستادن و صبر کردن ندارد. رژیم اسلامی میدانست که در این انتخابات ممکن است محاصره شود، مشروعیت فرمالش زیر سوال برود و همین زمینه ناآرامی ها و اعتراضات وسیع داخلی و اعمال فشارهای دیپلماتیک جهانی را فراهم آورد و آینده کل رژیم اسلامی را در هاله ای از ابهام فرو برد. اهمیت این انتخابات برای طرفین درگیر در سیاست ایران همین موقعیت ویژه و پیچیده رژیم اسلامی است.

در فردای بعد از "انتخابات" کماکان سوال اصلی برای رژیم **بقا حکومت** و بالا بردن توان آن در مقابل جنبش انقلابی و سرنگونی مردم است. تردیدی نیست که اختلافات درون جناحهای حکومت اسلامی واقعی است، اما منشا جدال درونی و جناح بندی جدید در درون حکومت قبل از اینکه به پلاتفرمهای سیاسی و اقتصادی متفاوت مربوط باشد، به نفس بقا و نفس موجودیت نظام مربوط است. باید منتظر تشکیل صفبندیهای جدید در درون و بیرون حکومت بود. از اولین نتایج شکست جمهوری اسلامی در این نمایش بطور اعم، و شکست دو خردادیهها و متعاقباً بخط شدنشان پشت رفسنجانی بطور اخص، تشکیل ائتلافها و قطبهای جدید درون حکومتی و از دست دادن نیرو در میان دو خردادیهها به نفع جنبش سرنگونی است.

رفسنجانی یا احمدی نژاد؟

شواهد حاکی از آنست که فیصله دادن این نمایش به نفع رفسنجانی محتملتر است. اما کسانی که احمدی نژاد را جلو رانده اند قصد ندارند که از رویای یکدست کردن قدرت دست

بکشند. یک فرضیه معتبر میتواند این باشد که با گذاشتن احمدی نژاد در مقابل رفسنجانی دو کار همزمان صورت میگیرد؛ هم کاندید نظام که رفسنجانی است با رای بالا انتخاب میشود و هم معضل مشروعیت نظام پاسخ میگیرد. اما امکان بقدرت رساندن احمدی نژاد منتفی نیست. همانطور که آوردنش به بالای لیست در دور اول صورت گرفت. مشکل اینجاست که رئیس جمهور شدن احمدی نژاد کل بساط حکومت را درهم میریزد. دولت احمدی نژاد را نه جناحهای حکومت و نه جامعه بین المللی و نه مردم نخواهند پذیرفت. چنین دولتی به معنی شروع یک کودتای نظامی - انتخاباتی در ایران و آغاز تصفیه حسابهای درون حکومتی و دورخیز برای سرکوب جنبش انقلابی است. جمهوری اسلامی اما در چنین بالانسی نمیتواند حتی برای کوتاه مدت خود را حفظ کند و بسرعت با ضد کودتای مردم درهم پیچیده خواهد شد. وارد شدن به چنین ماجراجویی یعنی درآوردن احمدی نژاد از صندوق بعید بنظر میرسد. اما دولت رفسنجانی نیز نمیتواند بنا به تناقضات درونی آن وقت بخرد. به قدرت رسیدن رفسنجانی او را وادار میکند که برای تحکیم موقعیتش در مقابل خامنه ای و شرکا، بطور اجتناب ناپذیری متکی به ائتلافی از مرکز دو خرداد تا بخشهای مختلف راست از کارگزاران و روحانیون مبارز و اصولگرایان و غیره باشد. این دولت جدید که با وعده "اصلاحات" و "رفاه" و "شادی" و غیره سرکار آمده با هجوم توقعات مردم و جنبش انقلابی سرنگونی مواجه خواهد شد.

امروز نه سیاست کودتا و قلع و قمع عملی است و نه "تداوم اصلاحات". کودتا عملی نیست چون طرفی که قرار است علیه اش کودتا شود تسلیم نشده است و وعده "تداوم اصلاحات" عملی نیست چون لازمه اش عقب راندن

و ایزوله کردن کامل نهادهائی است که در هشت سال دوره خاتمی اجازه ندادند که یک لایحه هم تصویب شود.

بنابراین دولت آینده رفسنجانی نه دولت آشتی ملی است و نه ائتلافی که پرچم "اعتدال" را برافراشته بلکه بیشتر شبیه دولت بختیار و دولتهای دوره بحران است که دستور کارش خریدن زمان و تحمیل سازشی به مبارزه مردم است. دوره امروز بیشتر شبیه سالهای ۵۶ و ۵۷ ایران است تا شبیه انتخابات در فرانسه و خطر عروج فاشیسم.

پیش بسوی انقلاب علییه وضع موجود!

نه احمدی نژاد و نه هاشمی و نه هیچ فرد دیگری قادر نیست تصویری از بهبود و تغییر در مقابل مردم قرار دهد، چون جمهوری اسلامی از چنین ظرفیتی در پاسخ به نیازها و خواستههای فوری کارگران و مردم محروم ناتوان است. سیاست سرکوب در داخل و معامله با خارج هم پاسخ نمیدهد. اساساً به این دلیل که حکومت توان سرکوب را ندارد و به عبارت دقیقتر سرکوب نه به انسجام حکومت و عقب نشینی مردم بلکه به گسیختگی بیشتر رژیم اسلامی و گسترش هجوم مردم برای برچیدن کامل جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. این انتخابات خاص بیش از هر چیز بی خاصیتی و سترونی خط دوم خرداد را عریان کرد و خط بطلان بر آن کشید. دو خرداد و جریانات و شخصیتهای آن در اذهان جامعه بسرعت به پدیده ای سپری شده تبدیل میشود. در پس رویدادهای دوره نمایش انتخابات جنبش انقلابی و سرنگونی جمهوری اسلامی نضع و قدرت میگیرد و افق انقلاب و عقب راندن جمهوری اسلامی است که خود را دیکته میکنند. اوضاع به هر سو که میچرخد جامعه بیشتر به این



عبدل گلپریان

بیشتر و متحدانه قدمهای وسیعتری به جلو بردارند. می توان و باید دور دوم این صحنه گردانی را به گامهای دیگری به سمت انقلاب تبدیل کرد.

۲۱ ژوئن ۲۰۰۵

محاكمه كشيده شوند. دعوت هر گروه و سازمان و شخصیتی از مردم برای شرکت در این نمایش توهین و اهانت به جامعه، مهر مسئولیت پذیری کل جنایات این رژیم را بر پیشانی خود ثبت خواهد کرد. تمام این تلاشها فقط بخاطر نجات و بقای کل رژیم اسلامی سرمایه صورت می گیرد که از جانب صفوف انقلاب مردم نظاره گر نابودی خود هستند.

اصلاح طلبان و هم اندیشان کرد نیز نه تنها در جریان مضحکه انتخاباتی رژیم بلکه از مقطع تولد دوخرداد تا واپسین دم مرگش این افتخار ننگین را نصیب خود کرد و در فردای انقلابی که هم اکنون دارد شکل می گیرد، باید به مردم پاسخگو باشند.

اختیار خود درآوریم. باید بخصوص در پنجشنبه شب قبل از انتخابات در خیابان ها ظاهر شویم به این رژیم نشان دهیم که کل این مضحکه انتخاباتش را به شکست میکشایم. نبردمان ادامه دارد...

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی
جوانان آزادیخواه
شهر سرخ سنندج

همه نشات گرفته از ترس و وحشتی است که سرپای این رژیم را فرا گرفته و همگی از خیزشی که از پائین دارد پایه های نظام شان را تهدید می کند به جان هم افتاده اند. بحرانی که اکنون جناحهای مختلف رژیم را به جان هم انداخته ناشی از فضای سرنگونی طلبانه ای است که جامعه دارد در حرکت هر روزه به سردمداران این رژیم و کل این نظام تحمیل می کند. مردم ما باید از این حرکت جانانه خود در رسوا ساختن هر چه بیشتر این رژیم تا سرنگونی نهائی آن، استفاده لازم را بعمل آورند، تجارب بیشتری را اندوخته کنند و در دور دوم این نمایش هرچه

مدهاست که این دیوار فرو ریخته و اینجا در زیر آوارهای آن طفاله هایی از نوع هم اندیشان کرد هر از چند گاهی و برای بقای کاسه لیبسی شان زوزه کشان به دنبال هم مسلکانشان می کوشند لاشه خود را بر زمین بکشانند. هم اندیشان کرد میفرمایند: ضمن احساس اختلاف بنیادی و مشی متفاوت با رفسنجانی به او رای می دهند.

گذشته از اشارات انیمیزی که این عالیجنابان اصلاح طلب کرد در این گونه تعارفات با رفسنجانی و کل این رژیم از خود نشان می دهند، تنها و تنها به دلیل دفاع از مهره های کشتار و قتل عام، از رفسنجانی و احمدی نژاد گرفته تا کروبی و معین و غیره باید بعنوان عوامل درجه دو م در تأیید این مهره ها به

که از این منجلابی که فرو رفته است دریابید. ما جوانان آزادیخواه شهر سرخ سنندج دوباره زنان و مردان و جوانان را به اعتراض و رویارویی با رژیم فرا میخوانیم. بیاید در کنار هم با شعار آزادی و برابری نگذاریم این مضحکه ادامه یابد و برای همیشه شر این نظام کثیف را از سرمان کوتاه کنیم. بیاید خیابانها را دوباره در

شعارهای رادیکال و عدم شرکت وسیع اقشار مختلف مردم در به افتضاح کشانیدن این مسخره بازی به هریک از آنها از رهبر گرفته تا مهره های مورد تأیید رژیم در گرم کردن این شعبده بازی نشان داد که مردم دارند کارشان را یکسره می کنند. استعفاهای کروبی، شکوه های معین پزه های رفسنجانی و بقیه مهره هایی که خواب ریاست جمهوری شدن را می دیدند، روزنامه بستنهای قوه قضائیه در ارتباط با این مسئله و کوتاه آمدن شورای نگهبان و به دستور رهبر برای باز شماری آرائی که بسیجیان و نظامیان و لاشخورهای دیگر این دستگاه به صندوق جنایت ریخته اند، همه و

اصلاح طلبان کرد و "انتخابات"

این است که خواهان هیچ گونه سهم سیاسی در قدرت نیستند، با رفسنجانی دارای "اختلاف بنیادین و مشی متفاوت" هستند و ضمن انتقاد از عملکرد گذشته هاشمی، از مردم مناطق کرد نشین دعوت کرده اند که به رفسنجانی رای دهند.

هم اندیشان و اصلاح طلبان کرد امروز دیگر بخوبی واقف شده اند که نه سهم سیاسی در قدرت بلکه دوران گدائی کردن از این سهم نیز به اتمام رسیده پروژه اصلاح طلبی در ایران برای مدتی آنهم به یمن مبارزات و تحرك اجتماعی مردم علیه رژیم اسلامی و بعنوان ایجاد دیوار حائل بین مردم و کل رژیم موضوعیت پیدا کرد. حال

افتضاحی به بار آورده است. رژیم دو چهره از منفورترین عناصرش را که دستشان به خون هزاران انسان آزادیخواه آلوده است را دوباره به صحنه آورده است تا بار دیگر سایه ننگین حکومتش را بر سر مردم بگستراند. این تاپیدی بر خواسته همان مردمی بود که خواهان در هم کوبیدن بساط انتخابات بودند. ناگزیر با این رژیم باید در افتاد و نگذاشت

ادامه شکست و زبونی رژیم در ...

این رژیم و جنگهای جناحی ندارد چرا که در سالهای گذشته نیز نهادهای رژیم اسلامی در جریان بازی قدرت به همدیگر لگد زده اند و این افشاگری ها را علیه همدیگر به نمایش گذاشته اند. چیزی که در این دوره و در به جان هم افتادن این جانیمان در میان شان تازگی دارد این است که فهمیده اند که طی ماهها و هفته ها و روزهای اخیر مردم تشنه انقلاب و آزادی چه بلای بر سرشان آوردند. نه بزرگ مردم، به سخره گرفتن این نمایش "انتخابات"، پاره کردن پوسترها،

اطلاعات و نیروی نظامی بسیج و فرزند ایشان در این بازی انتخاباتی اعمال نفوذ کرده اند و متعاقباً از سمت مشاورت رهبر و از عضویت در مجمع تشخیص مصلحت استعفا می دهد. قوه قضائیه رژیم چهار روزنامه را که این استعفا نامه را منتشر کرده اند توقیف می کند. این شکوه ها و این استعفاها و بر خورد متقابل درتوقیف چند روزنامه و در این مقطع از سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی، معنی زمینی خاصی دارد که هیچ گونه ربطی به تقلب و حقه بازی های هر ساله نهادهای

عبدل گلپریان

اصلاح طلبان کرد با تأکید بر مواضع اصولی خود و به رغم انتقاد از عملکرد گذشته و اختلاف بنیادین و مشی متفاوت با آقای هاشمی رفسنجانی و بدور از هرگونه اراده معطوف به قدرت و سهم خواهی سیاسی، عموم شهروندان مناطق کرد نشین را بخاطر آزادی، استقلال و سربلندی ایران و از میان نرفتن آخرین امکان پیوند با دنیای مدرن و جلوگیری از تحقق پروژه اقتدارگرایی دعوت مینماید که ضمن حضور گسترده و قاطع در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری به آقای هاشمی رفسنجانی رای دهند.

ادامه نبردمان ادامه ...

دم از تحریم و خانه نشینی میزدند اعلام کردند تنها را آزادی مردم ایران مرگ جمهوری اسلامی از طریق انقلابی مردمی است. انقلابی که دستاوردش باید آزادی و برابری باشد. بارها مردم با تعرضشان این خواسته ها را بیان کردند. اکنون که رژیم با ترس و وحشت و در زیر فشارهای مردمی مضحکه را برگزار کرد همگان شاهد بودند که چه

خیابانی چند شب اخیر گوشه ای از رویارویی مردم با جمهوری اسلامی بود. زنان و مردان و جوانان فریاد زدند که دیگر نمی خواهند ارتجاع اسلامی بر سرشان حاکم باشد و در حالی که بعضی از جریانات اپوزیسیون راست چشم امید به اصلاحات داشتند و بعضی دیگر نیز